

بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

عزیز اله امینی^۱، نور محمد علیپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: مفهوم تحریک در حقوق جزای ایران و آمریکا از دو جهت قابل بررسی است، ابتدا به تحریک از منظر تحریک کننده نگریسته اند و به عنوان «جرم تحریک» در قوانین بیان شده است و سپس، تحریک را از دید شخص تحریک شده مورد مطالعه قرار داده و تحت عنوان «عذر تحریک» به آن پرداخته اند که در اینجا تحریک، عملی است که از ناحیه تحریک کننده آن چنان شدید رخ می دهد که احساسات متهم یا تحریک شونده راجح تأثیر قرار داده و موجب می شود که شخص بر رفتار مسلط نشده و مرتکب جرمی شود.

روش تحقیق: روش اجرای این تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و محقق بر اساس مستندات موجود به بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری با توجه به سیاست جنایی کشور در این راستا می پردازد. در این پژوهش با توجه به اینکه محقق به روش کتابخانه ای یا اسنادی اقدام به جمع آوری مطالب نموده است لیکن از طریق مطالعه اسناد، کتب، نشریات و مجلات مختلف و از طریق فیش برداری اقدام به جمع آوری مطالب نموده است.

نتایج و یافته‌های تحقیق: بر خلاف حقوق ایران تحریک بزه‌دیده در آمریکا به عنوان یک دفاع خاص در قتل عمد شناخته شده و اثبات آن موجب کاهش مسئولیت مرتکب از قتل عمد به قتل غیر عمد ارادی می‌گردد. معافیت یا کاهش مجازات در قتل در فراس، قذف غیر ارتجالی، دفاع مشروع افراطی و پیش‌بینی تحریک بزه‌دیده به عنوان کیفیات مخففه قضایی را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از تأثیر تحریک بزه‌دیده در مسئولیت کیفری در حقوق ایران مورد مذاقه قرار داد. روی هم رفته رویکرد نظام کیفری آمریکا در قبال تحریک به جرم انطباق بیشتری با حمایت از نظم عمومی دارد.

^۱- کارشناس ارشد حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی a-amini1354@yahoo.com

^۲ - ستاد گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج n.alipoor@iauyasooj.ac.ir

واژگان کلیدی: تحریک، جرم، معاونت، مسئولیت کیفری، ایران، آمریکا.

مقدمه

تحریک، فرآیندی است که ابتدائاً فکر ارتکاب جرم و در نتیجه اراده بر انجام جرم را در دیگری خلق می کند و ماهیت فعل تحریک کننده به گونه ای است که از عملیات مقدماتی جرم فراتر نمی رود. بنابراین تحریک از ماهیتی معاونتی برخوردار است؛ از این رو در بررسی تحریک به ارتکاب جرم، تأکید بر جرم تحریک باعث می شود تنها بر نقش معاونتی تحریک تمرکز کرده و از کارکردهای دیگر آن غافل بمانیم. درحالیکه در قانون مجازات اسلامی تحریک، کارکردی دوگانه دارد و علاوه بر اینکه در قالب معاونت، عاملی برای مجازات است، عاملی برای تخفیف و سقوط مجازات هم می باشد. اما کارکرد مثبت تحریک کمتر مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته و عمده بحث در این خصوص در مطالعات جرم‌شناسی یافت می شود. (مظاهری تهرانی، ۱۳۹۲: ۵۲) بنابراین برای رفع این مشکل بایستی توجه از فعل تحریک برداشته شده و بر فاعل آن منتقل شود. با توجه به مواد مندرج در قانون مجازات اسلامی در باب تحریک، فاعل تحریک گاه بزهکار است و گاه شخص بزه دیده؛ که در صورت اول فرد بزهکار، تحت عنوان معاون و یا با عنوان فاعل جرمی مستقل، قابل مجازات است و در صورتی که بزه دیده محرک باشد، این امر عاملی برای سقوط و تخفیف مجازات است. بر این اساس، مبنا و ویژگی های هر یک از صور سه گانه متفاوت خواهد بود که البته با توجه به یکسان بودن فرآیند تحریک در هر سه، می توان نقاط اشتراک و همپوشانی در برخی موارد را مشاهده کرد. تحریک به ارتکاب جرم یکی از مباحث مهم در معاونت جرم است محرکین از جمله مجرمینی هستند که سعی دارند از چنگال قانون فرار می کنند تحریک به ارتکاب جرم، حالتی است که به موجب آن، محرک، دیگری را با توسل به تشویق، تهدید، تطمیع، معد نمودن وسایل لازم، دسیسه چینی، فریب و نیرنگ و ... به ارتکاب جرم سوق می دهد، بدون اینکه شخصاً در رکن مادی جرم دخالتی داشته باشد. لکن محرک از نقطه نظر قصد مجرمانه با مباشر جرم اشتراک دارد. در حقوق کیفری ایران تحریک به دو صورت جرم انگاری شده است: ۱. تحریک بصورت جرمی مستقل. تحریک به جرم از سویی مجازات محرک و از سویی دیگر تخفیف یا معافیت از مجازات

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

مباشر جرم را ایجاب می‌نماید. مجازات محرک مبتنی بر نفوذ موثر اندیشه مجرمانه محرک در تقویت اراده ضعیف مجرمانه دیگری و به مخاطره انداختن نظم اجتماعی است. مبنای کاهش یا رفع مسئولیت کیفری در قبال جرم ناشی از تحریک بزه‌دیده، اجتماع خطای بزه‌دیده و تحدید اراده مرتکب آن است. همیشه در وقوع جرم پای یک نفر در میان نیست و گاهی پیش می‌آید که وقوع جرم از اراده یک فرد خارج می‌شود و در آن افراد دیگری نیز سهیم می‌شوند که در واقع تحریک کننده هستند. گاهی در ارتکاب جرایم عمدی علاوه بر مجرم عوامل دیگری نیز حضور دارند که مباشر و معاون جرم خوانده می‌شوند. برای انجام فعل مجرمانه شخص مجرم و مباشر نقش مستقیم در ارتکاب بزه دارد اما معاون جرم دخالت مستقیم در وقوع جرم ندارد بلکه به صورت غیر مستقیم در وقوع جرم دخالت می‌کند. طبق تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است و فرد علاوه بر قصد ارتکاب جرم باید بداند بین فعل او و نتیجه فعل مجرمانه، رابطه سببیت وجود دارد. (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۴۸)

مصادیق زیادی برای معاونت یا عنصر مادی در جرم وجود دارد آنها را طبق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی شامل تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ، سوءاستفاده از قدرت، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم معرفی کرده ایم قانونگذار در این ماده مقرر کرده است در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون (محرک) تعیین نشده باشد مجازات وی به ۴ دسته تقسیم می‌شود: در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه؛ مجازات تعزیری درجه دو یعنی بیش از پانزده تا بیست و پنج سال یا جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال و مجازات تعزیری درجه سه یعنی بیش از ده تا پانزده سال یا جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال تا پانصد و پنجاه میلیون ریال. در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش؛ مجازات تعزیری درجه پنج یعنی بیش از دو تا پنج سال یا جزای نقدی بیش از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال یا محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از ۵ تا ۱۵ سال یا ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی یا ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی و مجازات تعزیری ۶ یعنی حبس بیش از ۶ ماه تا دو سال یا جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال یا شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه

ضربه در جرائم منافی عفت محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال یا انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها یا ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال یا ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال یا ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال. در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش. در جرایم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی. همچنین کسی که با رفتارهای خاص عمدی خود وقوع جرم را تسهیل و با مجرم همکاری کند، حتی اگر به طور مستقیم وارد جرم نشود، مرتکب عمل خلاف شده است. این وکیل دادگستری با بیان اینکه باید بین عمل مباشر جرم (فاعل) و اقدام معاون جرم، وحدت قصد مجرمانه وجود داشته باشد یعنی تحریک کننده همان نتیجه‌ای را بخواهد که قبلاً یا همزمان مباشر جرم نیز خواسته است.

اصولاً در کتاب‌ها و مقاله‌های حقوقی نمی‌توان از معاونت در جرم تعریف جامع و مانعی یافت، بلکه قانونگذار با ارایه مصادیق آن مبادرت به توضیح مسایل مربوط به این موضوع می‌کند؛ در همین زمینه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در ماده ۱۳۶ خود اشخاص معاون در جرم را فهرست کرده است. دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم شود وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارایه دهد وقوع جرم را تسهیل کند. با وجود این در تعدادی از قوانین خاص دیده می‌شود که قانونگذار برای معاونت در آن جرایم، مجازات مشخص تعیین کرده است که در این موارد قاضی مکلف به اجرای مفاد آن خواهد بود و در غیر این صورت براساس ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. در تفاوت قانون قدیم و جدید معتقدیم تا قبل از تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در خرداد ۱۳۷۵، مجازات معاون بر اساس ماده ۴۳ قانون سابق در اختیار قاضی دادگاه بود که با توجه به شرایط و امکانات خاصی و مراتب جرم درجات تعزیر، میزان آن را تعیین می‌کرد. با وضع ماده ۷۲۶ قانون تعزیرات، میزان مجازات معاون در جرایم تعزیری، حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم مشخص شد. به گفته ادراکی در نهایت به موجب قانون مجازات اسلامی جدید که مصوب اول اردیبهشت ۱۳۹۲ است ماده ۷۲۶ قانون تعزیرات نسخ شده است و قانونگذار تمام مقررات مربوط

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

به معاونت در انواع جرایم و مجازات‌ها را در مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ جمع‌بندی کرده است. (مرادی، ۱۳۷۳:

۹۶)

در تشریح ابعاد مساله باید گفت که فضای مجازی « فضایی تئوری است که ارتباطات کامپیوتری در آن رخ می‌دهد.» این واژه در نیمه دوم قرن نوزده وارد ادبیات شد و شاغلان در زمینه کامپیوتر و علاقه‌مندان به سرعت آن را به کار بردند و در نیمه دوم قرن نوزده هم رایج شد. در این دوره، استفاده از اینترنت، شبکه و مخابرات دیجیتال سریعاً در حال رشد بود و لفظ «فضای مجازی» می‌توانست بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را نمایندگی کند که بصورت مستقیم و غیر مستقیم نمایندگی می‌کند (آذرنگ، ۱۳۸۹).

هوش هیجانی ظرفیت درک اطلاعات هیجانی و استدلال در هنگام وجود است. اگر چه کودکان با سرشت و فطرت گوناگون به دنیا می‌آیند و چگونگی برخورد آنها با مسایلی چون برخوردهای اجتماعی، اشتیاق خجالت و غیره متفاوت است، اما هوش هیجانی به والدین و مربیان کمک می‌کند تا بر روی قابلیت‌ها و یا عدم وجود آن‌ها کار کرده و بنابراین کودکان را برای رویارویی با جامعه بیرونی آماده کنند، پس نتیجه می‌گیریم که هدف از تقویت هوش هیجانی، آگاهی از احساسات و تربیت آن‌ها برای غلبه بر موانع زندگی است (سیف، ۱۳۹۰).

اعتیاد ذهنی یعنی رفتاری که بر رفتارهای دیگر غلبه پیدا کند و به طور مداوم تکرار شود. اعتیاد ذهنی در طبقه‌بندی انواع اعتیادها قرار دارد؛ یعنی نوعی استفاده افراطی، ممتد، بی‌هدف و وابستگی بیش از حد به اینترنت به طوری که در ارتباطات زندگی روزمره، کار، تحصیل و سایر امور اجتماعی کاربر نوعی اختلال و بی‌نظمی به وجود آید. ماهیت اینترنت و کامپیوتر به گونه‌ای است که ما را با خود می‌برد و چنان درگیرمان می‌کند که آلوده‌اش می‌شویم (آزادمجد، ۱۳۹۲).

بنابر آنچه بالا گفته شد سؤال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح است که نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا تا چه اندازه متفاوت می‌باشد؟

اهمیت و ضرورت: تحریک به عنوان یکی از دفاعیات تخفیف دهنده مجازات سابقه‌ای نسبتاً طولانی در نظام کامن‌لا دارد. در مقابل در نظام حقوقی رومی-ژرمنی و فقه اسلامی بهای چندانی به این مقوله

داده نشده است. از این رو در نظام حقوقی ما که آمیزه‌ای از نظام حقوقی رومی-ژرمنی و اسلامی است، نمی‌تواند قواعد و اصول کلی حاکم بر این عذر را به صورت جامع و مدون یافت. تنها برخی از اشکال تحریک در لابه‌لای قوانین مدون به عنوان علت تخفیف دهنده یا رافع مجازات، قابل استنباط و استخراج است. در این تحقیق ابتدا اصول و قواعد حاکم بر تحریک با توجه به اصول کلی حاکم بر حقوق جزای عمومی و با عنایت به رویکرد نظام کامن‌لا و حقوق آمریکا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته، آن‌گاه مصادیق و برخی از قواعد نسبتاً کلی حاکم بر آن در حقوق ایران نقد و ارزیابی شده است. (محسنی، ۱۳۹۵: ۸۷)

قانونگذار شرط "متناسب بودن" دفاع در برابر خطر و تجاوز به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین شرط دفاع مشروع را برای تحقق دفاع مشروع منتفی دانسته و در مقابل تأکید مضاعفی بر "ضرورت داشتن" دفاع در دفع خطر و تجاوز به عنوان شرط عمده و اصلی تحقق دفاع مشروع، داشته است.

موضوع دیگری که در قانون جدید مورد توجه قرار گرفته، موضوع "بار اثبات" در دفاع مشروع است. قانونگذار جدید در تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی در جایی که اصل دفاع محرز بوده ولی شرایط آن به اثبات نرسیده، ضمن فرض دانستن تحقق و رعایت شرایط لازم برای دفاع، بار اثبات ادعای عدم رعایت شرایط دفاع را متوجه مهاجم نموده است. در قانون مجازات اسلامی جدید شرط دیگری هم به شرایط مشروعیت دفاع مشروع اضافه شده با این مضمون که: «خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد» یعنی اگر الف به ب حمله کرده و ب در پاسخ به این حمله از خودش دفاع می‌کند، ج نمی‌تواند به بهانه دفاع ب از خودش به یاری الف شتافته و سپس عمل خود را دفاع مشروع تلقی کند. زیرا ب در حال دفاع از خویش است و چه بسا که این دفاع، مشروع باشد بنابراین دفاع شخص ثالث در واقع ممکن است شرکت در منازعه قلمداد گردد. و یا اگر ب در برابر حمله ی الف از خودش دفاع کند الف نمی‌تواند در برابر این دفاع، حمله‌ی خود را دفاع مشروع محسوب کند.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا می باشد.

اهداف فرعی

تبیین نقش تحریک به عنوان جرمی مستقل در حقوق کیفری ایران و امریکا .

شناسایی نقش تحریک در ارتکاب جرم از جانب مرتکب . تعیین نقش تحریک بعنوان یکی از اشکال معاونت در جرم محسوب می شود.

تبیین محرک و مباشر بعنوان جرم مستقل و خاص توطئه و تبانی قابل مجازات در حقوق امریکا .

فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی

نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا باهم متفاوت می باشد.

فرضیه های فرعی

۱- تحریک بصورت جرمی مستقل در این فرض، تحریک به ارتکاب جرم یک جرم خاص با مجازاتی متعین در نظر گرفته شده است و محرک واجد مسئولیت کیفری مجزا از مرتکب می باشد.

۲. تحریک بعنوان یکی از اشکال معاونت در جرم در این حالت ، مسئولیت کیفری و مجازات محرک وامدار مسئولیت کیفری و مجازات مرتکب جرم است.

۳- تحریک موجب ارتکاب جرم از جانب مرتکب می شود در این حالت محرک بعنوان معاون در جرم واجد مسئولیت کیفری و قابل مجازات است .

۴- در حقوق امریکا محرک و مباشر بعنوان جرم مستقل و خاص توطئه و تبانی قابل مجازات می باشند

تعاریف مفهومی متغیرها:

«تحریک: واژه ای است عربی. این واژه مصدر باب تفعیل می باشد. در فرهنگ لغات فارسی، تحریک بدین معانی به کار برده شده است: حرکت دادن، برانگیختن، وادار کردن، جنبانیدن، به جنبش آوردن، به حرکت درآوردن، انگیزش و ترغیب» (معین، ۱۳۸۷، ص ۳۰۴).

معاونت: (که تحریک یکی از شقوق آن می باشد) نیز واژه ای عربی، از ریشه عون و مصدر باب مفاعله می باشد. (معین، ۱۳۸۷) «فرهنگ لغات فارسی، معاونت (مصدر) را در معانی یاری کردن، کمک کردن و به یکدیگر کمک کردن و معاون (فاعل) را در معانی یاری کننده، کمک کننده و دستیار، استعمال نموده اند» (صادقی، ۱۳۹۴، صص ۱۰۴۴).

تعاریف عملیاتی متغیرها:

با عنایت به این که قانونگذار تعریفی از تحریک بیان نکرده است، لذا حقوقدانان اصطلاح مذکور را از دیدگاه خود بگونه ای تفهیم نموده اند که ذیلا به آنها اشاره می گردد.

«توصیه، تشویق و فرمان به ارتکاب جرم، تحریک نامیده می شود» (بهری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸).

«معنی و مفهوم تحریک امر موضوعی است که دادگاه باید با توسل به اصول و قواعد کلی آن را احراز نماید» (صانعی، ۱۳۹۱، ص ۸۰). در واقع، این حقوقدانان تشخیص معنی و مفهوم تحریک را به مقامات قضایی واگذار می کند تا با نظر به اوضاع و احوال حاکم بر پرونده، اقدام به تصمیم گیری بنمایند. (حمیدی اول، ۱۳۸۱: ۹۶)

«تحریک به معنی این است که شخص بدون دخالت در عملیات اجرایی، دیگری را به عناوین مختلف از قبیل وعده و وعید، مقدمه چینی و امثال آن، مصمم به ارتکاب جرم کند» (ولیدی، ۱۳۶۹، ص ۳۶). همچنین این حقوقدان در تعریف تحریک اضافه می نماید که: «تحریک عبارت است از تاثیر و نفوذ بر روی فکر و اندیشه دیگری به انحاء مختلف و سوق دادن وی به ارتکاب جرم، به طوری که مرتکب با اراده و رضایت باطنی و تاثر از فعل وادار کننده، مرتکب جرم گردد».

«تحریک کننده کسی است که بی آنکه در عمل یا در جرم دخالتی کند، محرک فاعل جرم به عنایت مختلف در ارتکاب بزه می باشد» (نوربها، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳).

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

«تحریک به جرم یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب جرم، به هر دستاویزی، خواه با دادن مال، وعده و یا فریب و خواه با تشویق، ترغیب و به طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم مانند تهییج حس کینه و انتقام جویی» (اردبیلی، حقوق، ۱۳۸۶، ص ۴۲).

در عالم خارج، هر معلولی واجد یک علت مشخص و معین می باشد. تحریک به عنوان معلول، واجد علتی به نام محرک می باشد که با ظهور خود به گونه ای بر روی سیستم روحی و روانی فرد تحریک شده اثر می گذارد که وی را ترغیب به بروز رفتار می کند، در واقع تحریک، کنش است و رفتار ظاهر شده از ناحیه فرد تحریک شده، واکنش، با عنایت با تعارف فوق الذکر، می توان مفهوم تحریک را این گونه بیان نمود: تحریک عبارت است از تاثیر بر روی فکر و ذهن مرتکب، به گونه ای که این انگیزش را در او به وجود آورد تا با اراده آزاد و طیب خاطر به انجام رفتارهای مورد نظر محرک بپردازد. به طوری که اگر آن سوق دادن وجود نداشت، انگیزشی هم در مرتکب جرم ایجاد نمی شد.

در خصوص معنا و مفهوم اصطلاحی معاونت، به طور کلی دو دیدگاه میان حقوقدانان وجود دارد. در برخی گستره شمول معاونت را بسیار وسیع می دانند و برخی دیگر گستره ماهیت این مفهوم موسع معروف شده است و دیدگاه دوم به مفهوم مضیق. حقوقدانان معنا و مفهوم معاونت بر مبنای دیدگاه اول را این گونه بیان می دارند. هرگونه همیاری و مساعدت در ارتکاب جرم، معاونت محسوب می گردد و فرقی نمی کند که هر یک از همکاران، در ارتکاب عمل مجرمانه چه نقش و سمتی را ایفا می کنند و یا میزان مسئولیت هر یک از ایشان تا چه اندازه است. به محض این که شخص یاری و همکاری در جرم نمود، معاون جرم محسوب می گردد و از یاری دهندگان و شرکت کنندگان در آن است. «شرکت یا عدم شرکت در انجام عملیات مادی جرم مهم نیست و حضور و عدم حضور در صحنه ارتکاب جرم ملحوظ نظر قرار نمی گیرد».

«چنانچه ارتکاب اعمال مجرمانه مزبور توسط افراد معینی از دسته و جمعیت ثابت شده باشد، هر یک از آن افراد مسئول رفتار مجرمانه خود بوده و مستوجب کیفر جرم یا جرایمی است که شخصاً مرتکب شده است» (حبیب زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹).

همچنین صاحب نظران علم حقوق تعاریف خود از معاونت را به شرح زیر ذیل بیان می دارند. معاونت نوعی خاص و ویژه از همکاری در ارتکاب جرم می باشد و با وجود شرایطی از قبیل: «همکاری در

ارتکاب جرم، عدم حضور در عملیات مادی و انجام اعمالی محدود و منحصر در مواد قانونی مانند: تسهیل وسیله، تحریک، تطمیع، تهدید و...، شکل می‌گیرد» (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۶۷). «معاونت در جرم عبارتست از توافق دو نفر یا بیشتر با یکدیگر برای ارتکاب یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات بازدارنده در چهار چوب موارد محدود و مطرح در قانون که به طور غیر مستقیم زمینه وقوع جرم را فراهم می‌سازد» (ولیدی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۸). نکته شایان ذکر در مورد این تعریف آن است که با عنایت به تقسیم بندی قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مذکور در ماده ۱۴، جرائم بازدارنده حذف و در جرائم مستوجب تعزیر ادغام شدند.

«معاون جرم کسی است که مرتکب خود عمل مجرمانه نمی‌شود ولی به یکی از صورت هایی که در قانون پیش بینی شده، مجرم یا مجرمین را در ارتکاب جرم کمک می‌نماید» (صانعی، ص ۸۳). «معاون جرم کسی است که شخصاً در ارتکاب عنصر مادی جرم قابل استناد به مباشر یا شرکای جرم دخالت نداشته، بلکه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه و فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق، در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته باشد» (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵).

«در حقوق کیفری آمریکا، «تحریک به جرم» معادل واژه *incitement* است. این واژه نیز با کلمات *encourage*, *provoke*, *instigate* مترادف و هم معنا می‌باشد». در حقوق این کشور، تحریک در معنای اصطلاحی عبارت از مشاوره، تسهیل، راهنمایی، تشویق، ترغیب یا امر نمودن شخصی به ارتکاب جرم می‌باشد، حتی اگر آن جرم ارتکاب نیابد. به عبارت دیگر، تحریک مشتمل بر هر نوع اعمال نفوذ وارده ی بر شخص به منظور تسهیل ارتکاب جرم است که مشتمل تهدیدات نیز می‌شود. «مطابق با حقوق این کشور، یک فعل فعل تنها در صورتی که تحریک مجرمانه خواهد بود که فعل تحریک شده، در صورت انجام خود مجرمانه باشد. علاوه بر این، لازم نیست شخصی که مورد تحریک واقع می‌شود. تحت تاثیر اظهارات تحریک کننده قرار گیرد» (شامبیاتی، ۱۳۹۴، صص ۷۸ الی ۸۱). بر مبنای تعاریف مذکور باید گفت که در حقوق جزای کشور آمریکا، صرف تحریک به ارتکاب بزه، جرم محسوب می‌گردد، صرف نظر از اینکه فرد تحریک شده مرتکب جرمی بشود یا نشود. یا تحت تاثیر رفتار محرک قرار گرفته شود یا نگرفته باشد.

«در حقوق کیفری آمریکا، کمک کنند، همدست یا مجرم ثانوی»

روش:

روش اجرای این تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و محقق بر اساس مستندات موجود به بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری با توجه به سیاست جنایی کشور در این راستا می پردازد. در این پژوهش با توجه به اینکه محقق به روش کتابخانه ای یا اسنادی اقدام به جمع آوری مطالب نموده است لیکن از طریق مطالعه اسناد، کتب، نشریات و مجلات مختلف و از طریق فیش برداری اقدام به جمع آوری مطالب نموده است. با توجه به اینکه این موضوع به صورت کتابخانه ای بررسی می شود لیکن نیازی به ابزار از قبیل پرسشنامه یا مصابه ندارد تنها از طریق منابع موجود اسنادی بررسی می شود و فیش برداری از مطالب صورت می گیرد. پس از بیان کلیات مرتبط با موضوع و دسته‌بندی آراء و دلایل مختلف در رابطه با موضوع این دلایل با یکدیگر مقایسه می‌شود و دلیلی که از لحاظ مبانی حقوقی، طرفداران بیشتری دارد و عقلانی تر است مورد پذیرش قرار گیرد و بر آن اساس نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

بحث و نتیجه گیری:

از مباحث مطروح در این تحقیق، سه نتیجه عمده به شرح ذیل استنباط می شود:

نتیجه نخست- در نظام حقوق کیفری ایران، با وجود سیر تقنینی متفاوت به ویژه در سال های اخیر، در زمینه جرم انگاری تحریک دیگران به ارتکاب جرم همچنان از سیستم مجرمیت عاریه ای تبعیت می شود و تحریک به ارتکاب جرم در قالب یکی از اقسام معاونت در ارتکاب جرائم، جرم و قابل مجازات محسوب می گردد. بر همین مبنا مجازات محرک با توجه به مجازات مرتکب اصلی جرم تعیین میگردد. مقنن تنها در مواردی که تحریک دربردارنده خطری جبران ناپذیر برای جامعه است، از اصل کلی مذکور عدول نموده و تحریک را به عنوان جرمی مستقل و مجزا شناسایی نموده است.

نتیجه دوم - در نظام حقوق کیفری آمریکا، صرف تحریک در هر صورت مستوجب اعمال مجازات می باشد. بدین توضیح که چنانچه جرمی به سبب عملیات تحریک آمیز محرک واقع نشده باشد، اعمال مجازات تحت عنوان مجرمانه «توطئه و تبانی» است و چنانچه اقدامات محرک سبب وقوع جرم شده باشد، اعمال مجازات تحت عنوان «معاونت در جرم تام ارتکاب یافته» خواهد بود.

نتیجه سوم - در مقام مقایسه میان دو نظام حقوقی باید گفت که در نظام جزایی آمریکا، تحریک به ارتکاب جرم همواره مستوجب مجازات می باشد، حتی اگر جرمی به سبب آن واقع نشده باشد و این رویکرد صحیح به جهت جلوگیری از وقوع جرائم سهمگین تر به واسطه عملیات تحریک آمیز محرک است. اما در نظام جزای کشور ما، تحریک به ارتکاب جرم در صورتی که به سبب آن جرمی واقع شود، علی الاصول تحت عنوان معاونت در ارتکاب جرائم قابل تعقیب و مجازات خواهد بود و موارد جرم انگاری تحریک به عنوان جرم مستقل (که در آن ها اعمال مجازات منوط به وقوع جرم نیست) محدود و استثنایی می باشد، رویکردی که باید اذعان نمود بازدارندگی لازم در پیشگیری از وقوع جرائم بعدی را ندارد.

در واقع باید گفت که در نظام حقوقی آمریکا به محرکین جرائم به درستی به عنوان مغزهای متفکر و خلاق ارتکاب جرائم نگریسته شده است و بر همین مبنا برای ایشان اقدام به تعیین مجازات نموده اند و به همین جهت بازدارندگی لازم از ارتکاب جرائم اخیری وجود دارد، اما در ایران علیرغم سپری شده ادوار قانون گذاری و اصلاح قوانین، کماکان به این خلائق اصلی جرائم تنها به عنوان معاونین جرائم نگاه می شود و همین دیدگاه موجب شده است که بازدارندگی در خور برای اقدامات این گروه از مجرمین خطرناک در سایه، وجود نداشته باشد.

«جرائم از نقطه نظر لزوم تحقق نتیجه مجرمان و یا عدم تحقق آن به جرائم مقید و جرائم مطلق تقسیم می شوند. جرم مقید، جرمی است که تحقق آن منوط به حصول نتیجه مورد نظر مجرم است. جرم مطلق نیز به جرمی اطلاق می گردد که وقوع آن وابسته به تحقق نتیجه مجرمانه نیست».

جرم تحریک و اغوای مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور، جرمی مطلق است. بدین معنی که در این جرم تحقق نتیجه مجرمانه (یعنی وقوع جنگ و کشتار میان مردم و اخلال در نظم و امنیت کشور) لازم نیست، بلکه صرف اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار با همدیگر به

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

قصد برهم زدن امنیت هرچند منجر به ایجاد جنگ و درگیری نگردد و یا با وجود وقوع جنگ و کشتار، اختلال محسوس و ملموسی در امنیت کشور ایجاد نشود، موجب تحقق جرم مورد بحث خواهد شد.

پیشنهادهای کاربردی:

پیشنهاد می شود با توجه به اینکه برای انجام فعل مجرمانه شخص مجرم و مباشر نقش مستقیم در ارتکاب بزه دارند، اما معاون جرم دخالت مستقیم در وقوع جرم ندارد بلکه به صورت غیر مستقیم دخالت می کند این مساله در حقوق کامن لا و خصوصا آمریکا مورد بررسی و تطبیق با حقوق ایران گردد تا نواقص و محدودیت ها مشخص گردد.

پیشنهاد می شود در تسهیل وقوع جرم در حقوق کیفری ایران وجود رابطه علیت بین عمل معاون و مباشر ضرورت نداشته باشد.

پیشنهاد می شود همچون حقوق کیفری دولت آمریکا برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط باشد.

منابع فارسی

۱- الف: فارسی

۲- کتب:

۱. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات میزان، چاپ شانزدهم.
۲. آقای جنت مکان، دکتر حسین، (۱۳۹۰) حقوق کیفری عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۳. باهری، محمد، (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، چاپ اول.
۴. یاد، ابراهیم، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۵. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ بیستم.
۶. حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۹۰)، بررسی جرم محاربه و افساد فی الأرض، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
۷. حمیدی اول، منوچهر، (۱۳۸۱)، معاونت در ارتکاب جرم، تهران: انتشارات صبح امروز، چاپ اول.
۸. خالقی، علی، (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و چهارم.
۹. زراعت، عباس، (۱۳۹۴)، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات فیض، چاپ اول.
۱۰. سمیعی، حمید، (۱۳۴۸)، حقوق جزا، تهران: انتشارات افست احمدی، چاپ اول.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات ژوبین، چاپ نهم.
۱۲. شهری، غلامرضا، (۱۳۸۸)، مجموعه قوانین و مقررات کیفری، ج ۲، تهران: روزنامه رسمی، چاپ دوم.
۱۳. صادقی، محمد هادی، (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان، چاپ پنجم.
۱۴. صانعی، پرویز، (۱۳۹۱)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.

----- بررسی نقش تحریک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

۱۵. علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، حقوق جنایی، ج ۱، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ ششم.

۱۶. قرآن کریم

۱۷. کی نیا، مهدی، (۱۳۸۷)، مبانی جرم شناسی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۸. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

دهم.

۱۹. محسنی، مرتضی، (۱۳۹۵)، پدیده مجرمانه، ج ۲، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.

۲۰. مرادی، حسن، (۱۳۹۳)، شرکت معاونت در جرم، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

۲۱. مصدق، محمد، (۱۳۹۲)، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی،

تهران: انتشارات جنگل، چاپ چهارم.

۲۲. مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.

۲۳. مظاهری تهرانی، مسعود، (۱۳۹۲)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات

خرسندی، چاپ چهارم.

۲۴. معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول

۲۵. میرمحمد صادقی، دکتر حسین، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و

مالکیت)، تهران: انتشارات میزان، چاپ سی و هفتم.

۲۶. میرمحمد صادقی، دکتر حسین، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه امنیت و

آسایش عمومی)، تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و سوم.

۲۷. نوربها، رضا، (۱۳۸۱)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات داد آفرین، چاپ ششم.

۲۸. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۹)، مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

۳- ب: عربی

۱. بجنوردی، محمد حسین، (۱۳۷۱) قواعد الفقهیه، ج ۱، قم: انتشارات موسسه مطبوعاتی

اسماعیلیان.

۲. بخشی، محمد، (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی تحریک به ارتکاب جرم در قانون ایران و آمریکا وزارت

علوم، تحقیقات، و فناوری، دانشگاه دامغان، دانشکده حقوق، کارشناسی ارشد.

۳. جنیدی، عبدالملک، (۱۴۱۲) الموضوعه الجنائیه، ج ۱، بیروت: انتشارات دارالقراب.

۴. رضانی نوری، محمود و صیقل، یزدان و سلیمی، مهدی، (۱۳۸۲)، نکات مهم حقوق جزای آمریکا، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ اول.

۵. رضانی نوری، محمود، (۱۳۸۴)، نکات مهم متون حقوقی، تهران: انتشارات نسل نیکان، چاپ چهارم.

۶. کلارکسون، سی.ام. وی، (۱۳۹۰)، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: انتشارات جنگل.

۴-ب) مقالات:

۱. مرعشی، محمد حسین، «معاونت در جرم»، فصل نامه دید گاه های حقوقی، مجله دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و داگستری، دوره ۱، شماره ۷۵، ۱۳۹۶.

۵-ج) سایت ها

۲. گنجه اجیرلو، عباس و گلدوزیان، ایرج و عرفانی، محمود، مقایسه مصادیق معاونت در جرم در حقوق کیفری ایران و آمریکا، دیده شده در: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی حق گستر، رویت: (۱۳۹۳/۰۴/۳۰).

۳. مجموعه نظریات کمیسیون آموزشی داد گستری کل استان تهران، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات دادگستری کل استان تهران، دیده شده در: پایگاه معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، رویت: (۱۳۹۳/۰۴/۳۰).

۱- معصومی، رؤیا و احد قاسمی، (۱۳۸۹)، «تأثیر بازارچه‌های مرزی بر قاچاق کالا»، مجموعه سخنرانی‌های همایش تخصصی راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛

۲- نورمحمدی، خسرو، (۱۳۸۳)، بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاق در مسیرهای قانونی و رسمی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران؛

1- Cooper, R. N. Tariffs and Smuggling in Indonesia, in: I.N. Bhagwati (ed.), *Illegal Transactions in International Trade*, LTD. Oxford, (1974)

----- بررسی نقش تحریرک در مسئولیت کیفری و جنائی در حقوق کیفری ایران و امریکا

- 2- Bhagwati, J. and B. Hansen. "A Theoretical Analysis of Smuggling", Quarterly Journal of Economics, Vol. 87,(1973)
- 3- Sheikh. Munir A. "Smuggling, Production and Welfare"., Journal of International Economics 4, (1974)
- 4- Bhagwati. 1. and T.N. Srinivasan. An Alternative Proof of Bhagwati - Hansen Results on Smuggling and Welfare, in: J.N. Bhagwati (ed.), Illegal Transactions in International Trade, LTD. Oxford. (1974):
- 5- Gatti , R. "CuffiJption and Trade Tariffs, or for Uniform Tarffs" ., World Bank policy Research Working Paper, No. 2216 (1999)
- 6- Norton, Desmond A.G. "On the Economic Theory of Smuggling" .,Economica . 55. (1988):
- 7- - farzanegan,mohammad (2008) illegal trade in the Iranian economy, evidence from a structural model, cesifo, venicesummar 2008.